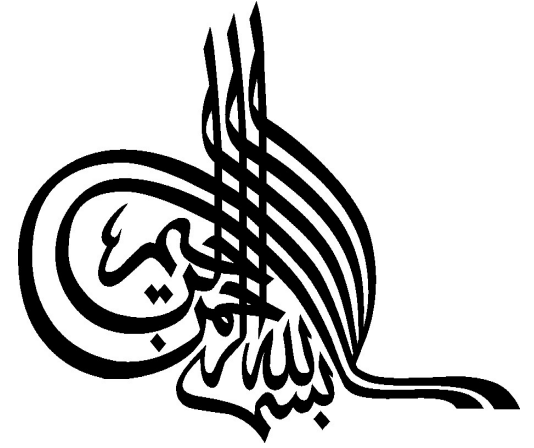




امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب

سخنرانی حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی داماد

ترجمه / علی خنیفرزاده

به اهتمام / مؤسسه فرهنگی رسول اکرم علیه السلام

WWW.SHIRAZI.IR

info@s-alshorazi.com

نوبت چاپ / اول

تاریخ انتشار / دی ماه ۱۳۸۵

ذی الحجة الحرام ۱۴۲۷ هـ. ق.

شمارگان / ۱۰۰۰۰

چاپ / نینوا

قیمت / ۲۰۰ تومان

ناشر / انتشارات سلسله

قم - خیابان ارم، پاساژ قدس، شماره ۹۷

کدپستی / ۳۷۱۳۷-۱۳۹۹۳

صندوق پستی / ۳۷۱۶۵-۱۴۸

تلفن / ۷۷۳۰۷۱۷

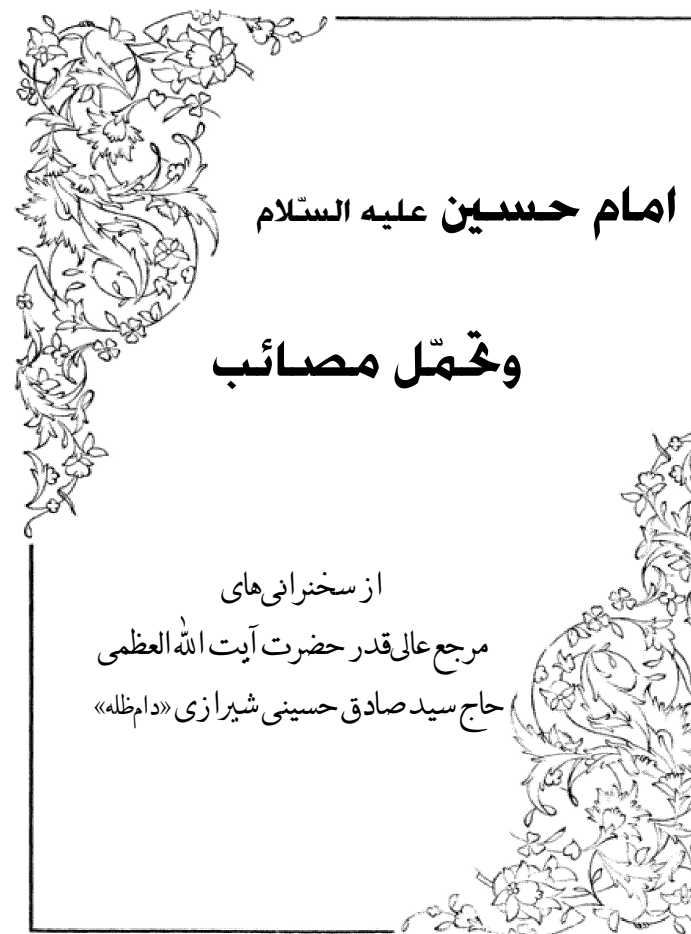
فاکس / ۷۷۴۹۱۰۸

مدیر فروش / ۰۹۱۲۱۵۳۹۳۶۰

WWW.SELSELE.KETABNAMEH.COM

E.Mail: Selseleh_pub@Hotmail.com

شابک: ۰-۴۸-۸۷۸۸-۹۶۴ ISBN: 964-8788-47-2



فهرست

درآمد	۷
دستگاه بی‌مانند سیدالشهدا علیه‌السلام	۱۰
نبردهای استثنایی عاشورا	۱۳
جلوگیری از اهانت به شهدا	۲۰
آب خواستن از دشمنان	۲۱
امام حسین علیه‌السلام و اهانت‌های دشمن	۲۲
هیچ روزی عاشورا و هیچ زمینی کربلا نیست	۲۵
دعای امام صادق در حق دوستداران امام حسین علیه‌السلام	۲۹
سفارش به عزاداران	۳۱
متن دعای امام صادق علیه‌السلام	۳۵

۸.....امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب

ممکن است بتوان عزاداران و عزاداری های روی زمین را شمرد، اما چگونه می توان انبوه عزاداران آسمان ها و سوگواران عوالم بالا را شماره کرد؟

سوگواری برای امام حسین علیه السلام فقط به شیعیان یا مسلمانان اختصاص ندارد، وهستند کسانی که مسلمان نیستند ولی برای آن حضرت اشک می ریزند و سوگواری می کنند. از این رو تعیین عده دقیق آنان - دست کم - بسیار دشوار است. بر فرض که کسی بتواند عدد دقیق عزاداران را در زمین حساب کند، اما قطرات اشکی را که دیشب و امروز برای آن حضرت جاری شده چه کسی می تواند بشمارد؟ از طرفی چه کسی می تواند ارزش واقعی این قطرات را بداند؟ آیا یک قطره از این اشک ها را می توان با میلیون ها یا میلیارد ها ثروت مقایسه نمود؟

وانگهی همه اشک هایی هم که در این مدت ریخته می شود ارزش یکسان ندارند و جایگاه عزاداران دارای مراتب بسیار است. برای نمونه اشکی که از چشمان مبارک صدیقه دو عالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در ماتم

عظم الله أجورنا وأجوركم بمصابنا بسيدنا أبي
عبدالله الحسين عليه السلام وجعلنا وياكم من الطالبين بناره
مع ولده الإمام المهدي عليه السلام ^(۱)

درآمد

عاشورای امسال نیز تمام شد. سوگواری ها، گریه ها و خدمتگزاری هایی که طی دیشب و امروز در سطح کره زمین - و حتی آسمان ها و بهشت - برای حضرت سیدالشهدا علیه السلام صورت گرفته از شمار بیرون است. فقط خدای متعال و کسانی که خود خدا خواسته است می توانند این حجم عظیم از عزاداری را دریابند و عده عزاداران آن حضرت را شماره کنند.

۱. این سخنرانی در شام غریبان ۱۴۲۷ق (۱۳۸۴ش) ایراد شده است.

در آمد..... ۹

سیدالشهدا علیه السلام می ریزد نمی توان گفت هر قطره آن از عالم و مافیها با ارزش تر است. اصلاً این دو با یکدیگر سنخیت ندارند و این مقایسه از اساس درست نیست.

برای این که این موضوع روشن تر شود مثالی عرض می کنم:
نقل است هنگامی که امام حسن و امام حسین علیهما السلام در سن کودکی بودند روزی به جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: برخی از بچه ها و هم سالان ما مرکب سواری دارند ولی ما نداریم. رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را بر شانه مبارک خود سوار نمودند. گفتند: مرکب بچه ها صدا می دهد و شیهه می کشد. حضرت نیز شروع کردند به سخن گفتن و لفظ «الهی العفو، الاهی العفو» را بر زبان جاری نمودن. در این هنگام جبرئیل امین فرود آمد و عرض کرد: اگر همچنان استغفار کنید و «العفو» بگویید خدای متعال آتش دوزخ را خاموش خواهد کرد.

شکی نیست که عدالت الهی اقتضا می کند که جهنم باشد، و گرنه چگونه می توان کسانی چون شمر بن ذی الجوشن و حرمه را به کیفر رساند؟ این افراد اگر در این جهان هزاران بار کشته شوند، برای مجازاتشان کافی نیست.

۱۰..... امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب

این تأثیر «العفو» گفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله است. حال طلب عفو ایشان کجا و «العفو» گفتن دیگران کجا؟!

گریه بر امام حسین نیز چنین است و اشک هایی که در ماتم آن حضرت از دیدگان افراد جاری می شود، هر چند در هر حال همگی ارزشمند هستند ولی یکسان و هم ارزش نمی باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مصیبت سیدالشهدا علیه السلام گریه می کنند و ما هم گریه می کنیم، ولی گریه آن جناب کجا و گریه ما کجا؟!

دستگاه بی مانند سیدالشهدا علیه السلام

چهار نفر از حضرت سیدالشهدا علیه السلام برترند: رسول خدا، حضرت امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه زهرا، و امام حسن مجتبی علیه السلام؛ همچنان که در روایت است خود سیدالشهدا علیه السلام در کربلا صریحاً فرمودند:

أبی خیر منی وأمی خیر منی، وأخی خیر منی ولی ولکلّ مسلم بر رسول الله أسوة؛^(۱) پدرم،

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲.

دستگاه بی مانند سیدالشهدا علیه السلام ۱۱

مادرم و برادرم همگی از من برترند و در رسول خدا ﷺ برای من و هر مسلمانی اسوه هست.

اما در عین حال عزاداری ها و خدمات و اطعام ها و سوگواری هایی که طی دیشب و امروز (تاسوعا و عاشورا) برای امام حسین (علیه السلام) انجام شده است در دوره سال برای حضرات معصوم دیگر انجام نمی گیرد. اگر تمام مجالس روضه، و هیئت ها و دستجات عزاداری و سینه زنی که طی دوازده ماه برای سیزده معصوم دیگر انجام شده است با حجم فعالیت ها و عزاداری هایی که فقط در شبانه روز گذشته برای امام حسین (علیه السلام) انجام شده است مقایسه شود، به مراتب کم تر است، چه رسد به انبوه مجالس و عزاداری هایی که در دوره سال برای آن حضرت برگزار می گردد؛ زیرا خود خدای متعال، امام حسین (علیه السلام) را استثنا قرار داده است.

از این رو رسول خدا، حضرت امیرمؤمنان، فاطمه زهرا، امام حسن و دیگر امامان (علیهم السلام) با امام حسین (علیه السلام) به عنوان یک مسئله استثنایی و بی مانند رفتار نموده اند.

۱۲ امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب

حضرت ولی عصر (علیه السلام) نیز با این مسئله به نحوی استثنایی برخورد کرده اند؛ حضرت خطاب به جد بزرگوارشان عرضه داشته اند:

وَلَا بَكِينَ عَلَيْكَ بَدَلُ الدَّمْعِ دَمًا^(۱) به جای اشک بر تو خون خواهیم گریست.

چنین تعبیری را آن حضرت خطاب به هیچ یک از معصومین حتی مادرشان فاطمه زهرا (علیها السلام) به کار نبرده اند. همچنان که امام حسین (علیه السلام) یک استثنا است، عزاداری ایشان نیز استثنایی است. بسیاری از افراد در روزهای گذشته در مجالس و هیئت های عزاداری شرکت کرده اند، خستگی و بی خوابی کشیده اند، چه بسا برای برگزاری مراسم عزاداری کرده اند یا ضامن گرفته اند، و... بدانیم که این فعالیت ها و عزاداری ها همگی استثناست و کسانی که دست به این فعالیت ها می زنند پاداشی استثنایی خواهند داشت.

۱. همان، ج ۹۸، ص ۳۲۰.

نبردهای استثنایی عاشورا..... ۱۳

این فعالیت‌ها و این مجالس عزاداری به قدری ارزش دارند که نمی‌توان آن‌ها را با تمام ثروت‌های دنیا مقایسه کرد. اگر بگوییم این مجالس عزاداری گوهر گران بهایی است حق مطلب را ادا نکرده‌ایم. یک دنیا گوهر در برابر یک قطره اشک حقیقی برای امام حسین علیه السلام بی‌ارزش است. اما چه می‌شود کرد که بشر فقط طلا و نقره و گوهر را به عنوان چیزهای ارزشمند می‌شناسد و همه امور ارزشمند را با طلا و نقره و امثال آن مقایسه می‌کند. و گرنه شعائر حضرت سیدالشهدا علیه السلام را با امور دنیوی نمی‌توان مقایسه کرد.

نبردهای استثنایی عاشورا

یکی از استثنائات سیدالشهدا علیه السلام که تاکنون کم‌تر کسی بدان پرداخته است، به نبردهایی مربوط می‌باشد که در روز عاشورا رخ داد. در طول تاریخ، جنگ‌ها و درگیری‌های فراوانی رخ داده و ستم‌های بسیاری، پیش از ماجرای کربلا و پس از آن، در نقاط گوناگونی از جهان صورت گرفته است.

۱۴..... امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب

در هیچ یک از جنگ‌های تاریخ دیده نشده است که فرمانده سپاه بر بالین یکایک سربازان بیاید و مانع اهانت دشمن به سرباز به خون خفته شود. اما در کربلا امام حسین علیه السلام هنگامی که یکی از اصحاب بر زمین می‌افتاد فوراً خودشان را به بالین وی می‌رسانند و این از استثنائات سیدالشهدا علیه السلام است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله با این که از امام حسین علیه السلام برترند در جنگ‌ها چنین رفتار نمی‌کردند و حضرت امیرالمؤمنان علی علیه السلام نیز در سه جنگی که بر ایشان تحمیل شد چنین روشی اتخاذ نکردند و قانون جنگ نیز چنین چیزی را اقتضا نمی‌کند. اما یکی از استثنائات سیدالشهدا علیه السلام این است که بر بالین تک تک شهدا می‌آمدند و مانع هرگونه اهانت احتمالی دشمنان به پیکر مطهر شهدا می‌شدند. آن حضرت بر بالین زهیر بن قین، حبیب بن مظاهر، قاسم بن حسن، حضرت قمر بنی‌هاشم و کلیه شهیدان آمدند و همه شهیدان از حربین یزید ریاحی - که شیخ عشیره بود - تا «جون» غلام سیاه از این مزیت بی‌بهره نماندند. چرا که آن حضرت آخرین کسی بودند که به شهادت رسیدند و حتی عبدالله بن الحسن علیه السلام نیز - که پیش از امام حسین علیه السلام

نبردهای استثنایی عاشورا..... ۱۵

بر زمین افتاد ولی پس از آن حضرت به شهادت رسید - نیز از این قاعده مستثنا نیست و حضرت بر بالین وی نیز آمدند.

هم در روایات ائمه علیهم السلام و هم در گفتار مورخان و ناقلان واقعه کربلا و کسانی چون حمید بن مسلم - که روی بلندی ایستاده بود - این نکته آمده است که امام حسین علیه السلام در واقعه عاشورا سوار بر اسب مراقب اوضاع بودند و به محض آن که شهیدی بر زمین می افتاد مانند باز شکاری (کالصقیر المنقض)^(۱) فوراً بر سر بالین وی حاضر می شدند.

شهادی واقعه کربلا در لحظه ای بر زمین می افتادند که از آنها رمقی بیشتر باقی نمانده بود و حتی اگر آنان را نمی کشتند، بعد از کمی جان می سپردند؛ زیرا انبوه ضربات تیر و نیزه و شمشیری که از همه سو به بدن آنان اصابت کرده بود و خستگی و تشنگی شدید و مبارزه با لشکریان زیاد با جنگ افزارهای کثیر آن زمان که از آن جهت آنها را به کوه آهن توصیف کرده اند^(۲) کافی بود تا آنان را از پای در آورد.

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۵.

۲. ولقوا جبال الحديد و... (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۹۳).

۱۶ امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب

ولی حضرت در حالی خود را به بالین آن شهید می رساندند که هنوز نیمه جانی در بدن او باقی بود. حضرت با دشمنان می جنگیدند و پیکر شهید را شخصا به خیمه ها می آوردند یا دستور می دادند که آن را به خیمه برسانند.

تنها استثنا در این مورد بدن حضرت ابا الفضل بود که حضرت به دلایلی ایشان را به خیمه ها نرساندند. حضرت ابا الفضل که سالاری یاران ابا عبدالله الحسین علیه السلام را بر عهده داشتند، هر چند برادر امام حسین علیه السلام بودند، خود را خادم ایشان می دانستند. شاید بنا بوده است که بدن این برادر همچون بدن مطهر حضرت در وسط جبهه نبرد باقی بماند و ایشان که در هیچ حالتی از همراهی و پشتیبانی آن حضرت کوتاهی نکردند، در این مسئله نیز همانند حضرت باشند. شاید هم مشیت الهی این بوده است که آن حضرت مثل خود حضرت سیدالشهدا علیه السلام قبه و بارگاه مستقلی داشته باشند که ملجأ و مزار عام و خاص باشد.

حضرت در لحظه افتادن هر کدام از شهدا به بالین او می آمدند، سر او را به دامن مبارک می گرفتند، خاک ها و خون ها را از چهره اش پاک می کردند، احیاناً با او سخن

نبردهای استثنایی عاشورا..... ۱۷

می‌گفتند، برایش دعا می‌نمودند، و سرانجام آن شهید در حالی جان می‌داد که سرش در دامن مولایش سیدالشهدا علیه السلام بود... چه کسی می‌تواند تصور کند که برای آن شهید چه قدر ارزشمند بود که در لحظه جان دادن سرش در دامن مولایش باشد؟ زهی شرف که روح انسان در حالی از بدن مفارقت کند که انسان همنشین و همسخن مولایی باشد! چه سعادتى از این بالاتر که انسان در رکاب سیدالشهدا علیه السلام کشته شود و در لحظه آخر کسی چون امام حسین علیه السلام از او خشنود باشند؟ چه دنیایی از دنیای این افراد بهتر و چه آخرتی از آخرت اینان بالاتر؟ خوشا به حالشان و چه جایگاه والایی نزد خدای متعال و رسول خدا صلی الله علیه و آله دارند و گوارایشان باد. کاش ما نیز بودیم و به این فوز عظیم دست می‌یافتیم...

جای شگفت نیست که می‌بینیم اصحاب حضرت برای شهادت لحظه شماری می‌کردند و از یکدیگر سبقت می‌گرفتند و چه بسا سرخوش و شادمان با یکدیگر شوخی

۱۸..... امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب می‌کردند.^(۱) در حقیقت حضرت سیدالشهدا علیه السلام چنین روحیه‌های بلند و استواری در آنان ایجاد کرده بودند و از سوی دیگر شوق جان دادن در دامن آن حضرت آنان را چنان مشتاق کرده بود که سراز پا نمی‌شناختند. بیهوده نیست که حضرت خود در باره اصحابشان فرموده‌اند:

إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي^(۲)
من هیچ یارانی بهتر و باوفا تر از اصحاب خود نمی‌شناسم.

در حقیقت اصحاب آن حضرت نیز یکی دیگر از استثنائات دستگاه سیدالشهدا علیه السلام می‌باشند. مورخین ذکر کرده‌اند در شب عاشورا وقتی بُریر شروع کرد به مزاح و شوخی کردن با عبدالرحمان، عبدالرحمان به او گفت: ای بُریر، می‌خندی؟ اکنون زمان خنده و مزاح نیست.

۱. برخی درباره شوق و اشتیاق فوق العاده اصحاب ابا عبدالله الحسین علیه السلام نسبت به شهادت، تعبیر «عشق» را به کار می‌برند. ولی باید دانست که این تعبیر مناسب نیست و در روایات معتبر اهل بیت علیهم السلام نیز به کار نرفته است.

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲.

نبردهای استثنایی عاشورا..... ۱۹

بریر گفت: خاندانم به خوبی می‌دانند که من نه در جوانی و نه اکنون که پیر شده‌ام هیچ گاه شوخی و خنده را دوست نداشته‌ام. اما اکنون از سر شادمانی و بشارت است که شوخی می‌کنم. به خدا قسم که مدتی بیشتر نمانده است که با شمشیرهای مان با این قوم ملاقات کنیم و پس از آن در نعمت‌های جاویدان بهشت متنعم خواهیم بود.^(۱)

بریر فقیه و عالم مجتهدی بود که حتی در ایام جوانی نیز با شوخی میانه‌ای نداشت، اما اکنون در کهنسالی چه شده است که با عبدالرحمن از در مزاح در آمده است؟ ظاهر روایت نشان می‌دهد که شوخی بریر از شوخی‌های مربوط به جوانان بود که با شأن و سن و سال بریر تناسبی نداشت. از همین رو بود که اعتراض عبدالرحمن را باعث شد. به هر حال این مطلب از وجد فوق العاده بریر و روحیه بالای شهدا کربلا حکایت می‌کند و البته آنان این روحیه را از سیدالشهدا علیه السلام کسب کردند. کسانی چون بریر مشاهده

۱. سید ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۹۵.

۲۰..... امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب می‌کردند که هر چند اصحاب دیگر حضور دارند، سیدالشهدا علیه السلام خود شخصاً به بالین هر شهید می‌روند و او را مورد لطف و عنایت قرار می‌دهند. آنها نیز برای درک چنین فیض و منزلتی لحظه شماری می‌کردند.

جلوگیری از اهانت به شهدا

امام علیه السلام اجازه ندادند به اجساد شهدا جسارت و اهانت شود، ولی تمام اهانت‌ها را خودشان به جان خریدند. در همه جنگ‌ها معمولاً سربازان مورد اهانت قرار می‌گیرند و سرداران و فرماندهان در معرض اهانت قرار نمی‌گیرند، یا کم‌تر قرار می‌گیرند. اما در این جا هم امام حسین علیه السلام استثنا هستند. ایشان مانع هرگونه اهانت احتمالی دشمنان به پیکر شهیدان شدند، ولی خود آماج انواع اهانت‌ها و جسارت‌ها قرار گرفتند. ایشان آخرین کسی بودند که به شهادت رسیدند و هنگامی که بدن مطهر حضرت بر خاک گرم کربلا افتاد هیچ یک از یاران باوفایشان نبود تا مانع جسارت دشمنان شود، بدن مطهرشان را به خیمه‌ها بیاورد، یا سر مبارکشان را به دامن بگیرد. آن حضرت خودشان را سپر بلای تمام شهیدان نمودند....

آب خواستن از دشمنان

یکی از اهانت‌های فراوانی که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به جان خریدند، آب خواستن از دشمنان بود. امام عقل کامل است، و به خوبی می‌داند که آب خواستن از دشمن پیش رو آن هم از طریق بالاترین مقام نظامی چه قدر برای آن فرمانده و لشکریانش مایه سرشکستگی است. از طرفی اظهار چنین تقاضایی از اشخاص لئیم برای نفس باکرامت یک انسان ارجمند و بزرگوار، فوق العاده سنگین و دشوار است، و هر چه نفس او بزرگوارتر باشد این کار برایش تلخ‌تر و ناگوارتر خواهد بود. روز عاشورا این امکان وجود داشت که به جای سیدالشهدا علیه السلام، دیگران از دشمن آب بخواهند، ولی در تاریخ هرگز نشنیده‌ایم که علی اکبر، حضرت عباس، بریر، زهیر، حبیب، یا جُون، از دشمن آب خواسته باشند. حضرت سیدالشهدا علیه السلام در روز عاشورا چندین بار از دشمنان تقاضای آب کردند. شاید حکمت تکرار این تقاضا اتمام حجت بر دشمنان و نشان دادن عمق فاجعه و شدت انحطاط روحی آنان بود. آن حضرت این تکلیف شاق را انجام دادند و این اهانت را به جان خریدند تا یارانشان مورد این اهانت قرار نگیرند.

این مطلب نیز از استثنائات قضیه کربلاست، خدا می‌داند تحمل چنین اهانتی بر دل آقا چقدر دشوار بود....

امام حسین علیه السلام و اهانت‌های دشمن

اما این اهانت‌ها به همین جا ختم نمی‌شود و اهانت‌هایی که متوجه آن حضرت شد فراوان بود. برخی از این اهانت‌ها مربوط به قبل از جنگ، برخی مربوط به زمان جنگ، و دسته‌ای دیگری مربوط به بعد از جنگ بود. برای نمونه قبل از جنگ شخصی از لشکر مقابل نزد خیمه‌ها آمد و فریاد زد: **أین الحسین؟ حسین کجاست؟** با این که تمام اصحاب و بنی‌هاشم حضور داشتند خود حضرت پاسخ دادند: **من حسینم.** آن مرد به حضرت گفت: **بشارت باد تو را به آتش که هم اکنون وارد آن خواهی شد.** امام فرمودند: **[نه، بلکه بشارت باد مرا به پروردگاری مهربان و شفاعت‌گر که خواسته‌ام را اجابت می‌کند. تو کیستی؟ گفت: من محمد بن اشعث هستم.** او برادر جعده قاتل امام حسن مجتبی علیه السلام بود که خدای متعال در همان لحظه عقوبتش کرد: **هنگامی که می‌خواست**

امام حسین علیه السلام واهانت‌های دشمن..... ۲۳
بیچند پایش در رکاب اسب گیر کرد و بر زمین کشیده شد
و به درک واصل گردید.^(۱)

وقتی حضرت می‌خواستند به نماز بایستند، یکی از
لشکریان دشمن به نام حصین بن نمیر فریاد زد: نماز تو [که]
قبول نیست [برای چه نماز می‌خوانی؟! حبیب بن مظاهر به
او گفت: ای نابکار، گمان می‌کنی نماز فرزند رسول الله قبول
نیست و نماز تو پذیرفته می‌شود؟^(۲)

مانند چنین اهانت‌هایی در حق قمر بنی‌هاشم، حبیب،
بریر، و... انجام نشد و فقط حضرت بودند که این زخم
زبان‌ها را - که از زخم تیغ بدتر بود - تحمل کردند.

اینها مربوط به پیش از جنگ بود. در هنگام جنگ نیز
اتفاقاتی که برای آن حضرت افتاد، برای هیچ‌یک از یارانشان
صورت نگرفت. البته در این جا از حوادث هنگام جنگ می‌گذرم،
فقط همین قدر می‌گویم که ارباب مقاتل درباره این لحظه گفته‌اند:

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۱.

۲. همان، ص ۲۱.

۲۴..... امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب

فرقة بالسيوف وفرقة بالرمح وفرقة بالحجارة

وفرقة بالخشب والعصا؛^(۱) گروهی با شمشیر،

گروهی با نیزه، عده‌ای با سنگ، و عده‌ای با چوب
وعصا آن حضرت را فراگرفتند.

در حالی که حضرت هرگز اجازه ندادند چنین رفتاری با
اصحابشان انجام شود. این مطلب مربوط به زمانی است که
حضرت هنوز سوار بر اسب بودند. هنگامی که حضرت بر
زمین افتادند نیز این ماجرا تکرار شد و پیش از آن که
حضرت بر زمین بیفتند، در روایت آمده است که یک تیر
در حلق مبارک ایشان فرو رفت.

مرحوم شیخ جعفر شوشتری - از علما و مجتهدان بزرگ
- فرموده است: اگر چند دقیقه به امام حسین عليه السلام مهلت
می‌دادند ایشان جان تسلیم می‌کردند و اصلاً به این کارها
حاجت نبود. اما در آن لحظات آخر نگذاشتند ایشان به
آسودگی جان بسپارند.

۱. محمد مهدی حائری، شجرة طوبی، المكتبة الحیدریة، ج ۲، ص ۲۱۳.

هیچ روزی عاشورا و هیچ زمینی کربلا نیست..... ۲۵

در این جا ماجرای شمر و بر زمین افتادن امام را نمی‌گوییم؛ چرا که به راستی انسان نمی‌تواند حتی اندکی از حق این مصیبت عظیم را ادا کند. این مسائل در شهادت رسول خدا، حضرت امیر، امام حسن مجتبی علیه السلام یا حتی در شهادت کربلا رخ نداده و فقط از اختصاصات آن حضرت است.

ما نمی‌توانیم مصیبت کربلا و عمق این فاجعه را تصور کنیم. خیلی از مسائل هم به دست ما نرسیده و بسیاری از کتب مقاتل و تواریخ در گذر زمان از بین رفته، یا به شعله‌های آتش سپرده شده است. فقط یک عنوان کتاب که در قم تألیف شده و بنابه نقل شیخ طوسی ده هزار برگ (بیست هزار صفحه) مطلب داشته است، به طور کامل سوزانده شده و حتی یک خط از آن هم بر جا نمانده است. غرض این که از قضایای عاشورا، آنچه به دست ما رسیده فقط قسمتی از وقایع کربلاست.

هیچ روزی عاشورا و هیچ زمینی کربلا نیست

عاشورا استثنائات بسیاری دارد. سوگواری‌هایی که ما برای امام حسین علیه السلام انجام می‌دهیم برای هیچ یک از معصومین

۲۶..... امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب

انجام نمی‌دهیم. خود معصومین هم چنین چیزی را نخواستند و با ماجرای امام حسین علیه السلام و عاشورا به شکلی استثنایی برخورد کرده‌اند. خدای متعال اراده فرموده است که ماجرای عاشورا از همه جهت استثنایی و بی‌مانند باشد. خود امام حسن مجتبی علیه السلام خطاب به برادر بزرگوارشان فرموده‌اند:

لا یومَ کیومک یا ابا عبدالله؛^(۱) یا ابا عبدالله هیچ روزی همانند روز [مصیبت بار] تو نیست.

از این رو «تعبیر کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» که بر سر بعضی زبان‌هاست - هر چند برای آن توجیهاتی گفته می‌شود - چون در گفتار پیشوایان ما نیامده صحیح نیست. از روایات ائمه معصوم علیهم السلام به روشنی دریافت می‌شود که هیچ زمینی حتی کعبه به قداست و شرافت کربلا نمی‌رسد و هیچ روزی همانند عاشورا نیست. در روایت آمده است که امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۸.

هیچ روزی عاشورا و هیچ زمینی کربلا نیست..... ۲۷

خدای تبارک و تعالی برخی از زمین‌ها و آب‌ها را بر برخی از زمین‌ها و آب‌ها برتری بخشید. پس از آن برخی از زمین‌ها فخر فروشی کردند و به این جهت و به جهت خودداری از فروتنی در برابر خدا کیفر شدند و خدا مشرکان را بر کعبه مسلط نمود و آب شوری را روانه زمزم کرد که مزه آن را ناگوار ساخت. اما زمین کربلا و آب فرات اولین زمین و آبی بودند که خدای تبارک و تعالی را تقدیس کردند. از این رو خدا نیز به آنها برکت داد و به سرزمین کربلا فرمود: سخن بگو که خدا تو را برتری بخشیده است، در حالی که آب و زمین‌ها به همدیگر فخر فروشی می‌کنند. زمین کربلا گفت: من زمین مقدس و مبارک خدایم که خاک و آب من مایه شفا [و بهبود] است. البته فخر نمی‌فروشم و در برابر کسی که مرا چنین آفریده است فروتن و خوارم و بر زمین‌هایی که مرتبه پایین‌تری دارند فخر نمی‌فروشم بلکه خدا را سپاس می‌گزارم. سپس خدا به سبب فروتنی

۲۸..... امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب

و سپاسگزاری زمین کربلا، آن را با امام حسین ع‌الیه‌السلام و یارانش کرامت و بزرگی بخشید.^(۱)

در این روایت آمده است که زمین کعبه افتخار کرد اما بر کربلا افتخار نکرد، با این حال خدا آن را سرزنش کرد و آب شیرین زمزم را - که از حواشی کعبه است - شور ساخت. گویا خدای متعال می‌خواهد نشان دهد که افتخار فقط از آن کربلاست.

نیز از آن حضرت روایت شده است که فرمودند:

روزی سرزمین مکه به خود بالید و گفت: خدا خانه اش را روی من قرار داده و مردم از دور و نزدیک به سمت من می‌آیند. منم که حرم امن الهی هستم. خدای متعال او را ملامت کرد و گفت: به عزت و جلالم سوگند، فضیلت تو نسبت به فضیلت و شرافت سرزمین کربلا همانند آب موجود بر سر یک سوزن خیس نسبت به دریاست. اگر سرزمین کربلا نبود تو را برتری نمی‌دادم و اگر آنچه در کربلاست نبود اصلاً تو را نمی‌آفریدم و خانه‌ای را که بدان فخر می‌کنی خلق نمی‌کردم. آرام بگیر و بدون سرپیچی و خودخواهی دنباله و وابسته‌ای

۱. کامل الزیارات، ص ۲۷۰.

دعای امام صادق در حق دوستداران امام حسین علیه السلام ۲۹

فروتن، خوار، سرافکنده برای سرزمین کربلا باش وگرنه تو را مسخ می‌کنم و در آتش دوزخ می‌افکنم.^(۱)

از روایات معصومین علیهم‌السلام آشکارا دریافت می‌شود که:

«لا ارض ککربلا ولا یوم کعاشورا». چه لزومی دارد که انسان سخنی بر خلاف فرمایش معصومین علیهم‌السلام بگوید و آن گاه در صدد توجیه آن برآید؟ به هر حال زمین کربلا زمینی بی‌مانند و استثنایی است و روز عاشورا هم از استثنائات است.

دعای امام صادق در حق دوستداران امام حسین علیه السلام

عزاداران و دوستان امام حسین علیه‌السلام نیز همانند آن حضرت استثنا هستند. سوگواران، زائران، و خادمان آن حضرت، کسانی که نام و یاد ایشان را زنده نگاه می‌دارند و کسانی که بر مصائب جانسوز ایشان اشک می‌ریزند پاداش بی‌مانندی در انتظار آنهاست و اهل بیت علیهم‌السلام به نحوی استثنایی با آنان برخورد کرده‌اند.

۱. همان، ص ۲۶۷. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به: کامل الزیارات، باب ۸۸ (فضل کربلاء و زیارة الحسین...); بحار الانوار، ج ۹۸، باب ۱۵ (الحائر و فضله و...).

۳۰ امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب معاویه بن وهب می‌گوید:

برای تشرف به محضر امام صادق علیه‌السلام اجازه گرفتم. وقتی وارد شدم دیدم آن حضرت مشغول نماز هستند. منتظر نشستم تا نماز ایشان تمام شد. پس از پایان نماز آن حضرت شروع به مناجات با خدا نمودند و عرضه داشتند: «ای کسی که ما را به کرامت و وصایت ممتاز کرد و به ما وعده شفاعت داد و علم گذشته و آینده را به ما عطا نمود... و من و برادرانم را بیمارز که برای نیکی به ما و به امید به دست آوردن پاداشی که در ایجاد پیوند با ما نهاده‌ای و نیز شاد کردن دل پیامبرت - که درود تو بر او و خاندنش باد - و فرمان برداری از ما و خشمگین کردن دشمنان ما و به دست آوردن خشنودی اموال خود را صرف کردند... [بار پروردگارا] پس از جانب ما خشنودی ات را پاداش آنان قرار ده و در شبان و روزان پاسشان دار... و با آنان همراه باش و شر هرستمگر سرکش و هر آفریده ناتوان یا نیرومند و نیز شر شیاطین جن و انس را از آنان به دور دار و به آنان که ما را بر فرزندان و اهل و خویشان خود ترجیح دادند بهتر از آنچه انتظار دارند، عطا کن. خدایا... بر آن چهره‌هایی که آفتاب رنگشان را دگرگون کرده رحمت کن و آن گونه‌هایی را

سفرارش به عزاداران..... ۳۱

که بر قبر اباعبدالله نهاده می شود مورد رحمت قرار ده و آن دیدگانی را که به مهر ما گریان می شوند مشمول مهر خود قرار ده و آن دل هایی را که برای ما بی تاب شد و سوخت مشمول مهر خود گردان و فریادهایی را که برای ماست مشمول رحمت خود ساز. پروردگارا، من این جان ها و این تن ها را تا زمانی که در روز تشنگی در کنار حوض [کوثر] ملاقاتشان کنیم، به تو می سپارم». حضرت همان طور که در حال سجده بودند پیوسته این دعا را می خواندند. وقتی مناجات ایشان به پایان رسید عرضه داشتم: فدایت شوم، اگر این دعایی که از شما شنیدم در حق کسی می بود که اصلاً خدا را هم نمی شناخت به گمانم که آتش دوزخ را بهره ای در او نبود...^(۱)

سفرارش به عزاداران

حال که دانستیم عزاداران سیدالشهدا علیه السلام همانند خود آن حضرت استثنایی اند، قدر بدانیم و بکوشیم حق این نعمت را ادا کنیم. همان طور که امام حسین علیه السلام دست به

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۸۲ (باب فضل زیارة ابی عبدالله الحسین علیه السلام).

۳۲..... امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب

فداکاری های گوناگون زدند و بسیاری از اهانت ها را به جای صاحبشان تحمل فرمودند بکوشیم ما نیز با اقتدا به آن حضرت، اهانت ها و سختی های روحی را در راه ایشان به جان بخریم. بسیاری از ما برای اقامه شعائر حسینی خستگی و بی خوابی را تحمل می کنیم و از جسم و پول خود مایه می گذاریم ولی رنج های روحی و اهانت ها و شتمات ها را تحمل نمی کنیم. اگر کسی بر ما خرده گرفت که عزاداری خرافات است، و موجبات تمسخر دشمنان را فراهم می کند، نباید دلسرد شویم و بگوییم زخم زبان از زخم تیغ بدتر است. آری بدتر است ولی باید این زخم زبان ها را هم مانند مولایمان بر خود هموار کنیم و خم به ابرو نیاوریم.

تحمل این زخم زبان ها در راه امام حسین علیه السلام عزت دو جهان است و اگر شتمات ها را در این راه تحمل کردیم مشمول دعای خیر ائمه - از جمله همین دعای یاد شده - می گردیم، و تفاوتی ندارد که این خرده گرفتن ها از سوی دشمنان باشد یا غیر آنها. چه بسا بعضی، عزاداری را نوعی بی فرهنگی می دانند و بر عزاداران خرده می گیرند و آنان را مسخره می کنند. چنین کسانی بی شک نگویند بخت ترین افراد عالم می باشند. سعی کنیم هر چند

سفارش به عزاداران..... ۳۳

جواب این افراد نادان و عیب جو را می‌دانیم تحمل کنیم و به آنان پاسخ ندهیم. البته فراموش نکنیم که خدا هر چند از حق خود گذشت می‌کند، از توهین به دستگاه سیدالشهدا علیه السلام و مبارزه با آن در نمی‌گذرد. دست خدا پشت این عزاداری‌هاست و مشیت الهی بر این تعلق گرفته است که این دستگاه هر ساله جلوه و رونق و آوازه بیشتری پیدا کند. تمام زیارات رسول خدا و ائمه اطهار علیه وعلیهم الصلوة والسلام که از ناحیه اهل بیت علیهم السلام وارد شده است (و بی‌شک گفتار اهل بیت گفتار خدا می‌باشد) ولی در عین حال زیارت عاشورای امام حسین علیه السلام مستقیماً به صورت حدیث قدسی از جانب ذات باری تعالی نازل شده است و این نکته از میان زیارات چهارده معصوم علیهم السلام فقط به امام حسین علیه السلام اختصاص دارد.

عزای طویر یح که از سنت‌های دیر پا و حسنه است و در بسیاری از نقاط جهان برگزار می‌شود، در عاشورای امسال ساعت‌ها طول کشیده است. می‌گویند مرحوم سید بحر العلوم در زمان مرجعیت خود یک روز عاشورا در محل گذر دسته عزاداری طویر یح ایستاده بود و عزاداران را تماشا می‌کرد و سینه می‌زد. ناگهان حاضران مشاهده کردند که ایشان یکباره منقلب

۳۴..... امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب

شدند و عمامه را بر زمین زدند و در میان عزاداران رفته، شروع کردند به «حسین، حسین» گفتن و سینه زدن. پس از پایان عزاداری اطرافیان اعتراض کردند که: آقا این کار مناسب شأن شما نبود. فرمود: چه کنم، همان طور که نگاه می‌کردم یکباره مولایم آقا امام زمان علیه السلام را وسط جمعیت مشاهده کردم.

وقتی حضرت ولی عصر علیه السلام پس از گذشت بیش از هزار سال در مراسم عزاداری شرکت می‌کنند تکلیف کسانی که این عزاداری‌ها را مسخره می‌کنند معلوم می‌شود. بکشیم ما نیز چون مولایمان در تحمل دشواری‌های روحی و جسمی استثنایی باشیم. ان شاء الله خدای متعال همه دوستداران، زائران، عزاداران آن حضرت را به برکت خود سیدالشهدا علیه السلام مشمول رحمت و اسعه خود قرار دهد.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

متن دعای امام صادق علیه السلام

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَغَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ وَمُحَمَّدِ
 بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ غَسَّانِ
 الْبَصْرِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ
 عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ
 وَهَبٍ قَالَ اسْتَأْذَنْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقِيلَ لِي
 ادْخُلْ فَدَخَلْتُ فَوَجَدْتُهُ فِي مُصَلَّاهُ فِي بَيْتِهِ فَجَلَسْتُ
 حَتَّى قَضَى صَلَاتَهُ فَسَمِعْتُهُ وَهُوَ يُتَاجِي رَبَّهُ وَيَقُولُ يَا مَنْ
 خَصَّنَا بِالْكَرَامَةِ وَخَصَّنَا بِالْوَصِيَّةِ وَوَعَدَنَا الشَّفَاعَةَ
 وَأَعْطَانَا عِلْمَ مَا مَضَى وَمَا بَقِيَ وَجَعَلَ أَفِيدَةً مِنَ النَّاسِ
 تَهْوِي إِلَيْنَا اغْفِرْ لِي وَلِإِخْوَانِي وَلِزُوَارِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
 الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَأَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ
 رَغْبَةً فِي بَرِّنا وَرَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فِي صَلَاتِنَا وَسُرُوراً أَدْخَلُوهُ
 عَلَى نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ وَإِجَابَةً مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا وَغِيظاً
 أَدْخَلُوهُ عَلَى عَدُوِّنَا أَرَادُوا بِذَلِكَ رِضَاكَ

معاویه بن وهب می گوید:

برای تشرف به محضر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ اجازه گرفتم.
 وقتی وارد شدم دیدم آن حضرت مشغول نماز هستند. منتظر
 نشستم تا نماز ایشان تمام شد. پس از پایان نماز آن حضرت
 شروع به مناجات با خدا نمودند و عرضه داشتند: «ای
 کسی که ما را به کرامت و وصایت ممتاز کرد و به ما وعده
 شفاعت داد و علم گذشته و آینده را به ما عطا نمود و دل های
 برخی از مردم را به ما متمایل ساخت من و برادرانم و زوَّار
 قبر ابا عبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را بیامرز؛ زوَّاری که برای نیکی
 به ما و به امید به دست آوردن پاداشی که در ایجاد پیوند با ما
 نهاده ای و نیز شاد کردن دل پیامبرت – که درود تو بر او
 و خاندنش باد – و فرمان برداری از ما و خشمگین کردن
 دشمنانمان و به دست آوردن خشنودی ات اموال خود را
 صرف کردند ورنج سفر را بر پیکرهای خود هموار نمودند.

متن دعای امام صادق علیه السلام..... ۳۷

فَكَافِهِمْ عَنَّا بِالرَّضْوَانِ وَاکْتُلَاهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاخْلُفْ
عَلَى أَهَالِيهِمْ وَأَوْلَادِهِمُ الَّذِينَ خَلَّفُوا بِأَحْسَنِ الْخَلْفِ
وَاصْحَبَهُمْ وَاکْفِهِمْ شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَكُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ
خَلْقِكَ أَوْ شَدِيدٍ وَشَرِّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَأَعْظَمِهِمْ
أَفْضَلَ مَا أَمَلُوا مِنْكَ فِي غُرَبَتِهِمْ عَنْ أَوْطَانِهِمْ وَمَا أَثَرُونَا بِهِ
عَلَى أَبْنَائِهِمْ وَأَهَالِيهِمْ وَقَرَابَاتِهِمْ اللَّهُمَّ إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا
عَلَيْهِمْ خُرُوجَهُمْ فَلَمْ يَنْهَهُمْ ذَلِكَ عَنِ الشُّخُوصِ إِلَيْنَا
وَخِلَافًا مِنْهُمْ عَلَى مَنْ خَالَفَنَا فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهَ الَّتِي قَدْ
غَيَّرَتْهَا الشَّمْسُ وَارْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي تَقَلَّبَتْ عَلَى حُفْرَةٍ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا
رَحْمَةً لَنَا وَارْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَرَعَتْ وَاخْتَرَقَتْ لَنَا
وَارْحَمْ الصَّرْحَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ
الْأَنْفُسَ وَ تِلْكَ الْأَبْدَانِ حَتَّى تُؤَافِيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ
الْعَطَشِ فَمَا زَالَ وَهُوَ سَاجِدٌ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ

..... ۳۸ امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب

[بار پروردگارا] پس از جانب ما خشنودی ات را پیداش
آنان قرار ده و در شبان و روزان پاسشان دار و در میان اهل
و فرزندانی که در وطن برجای نهادند بهترین جانشین برای آنان
باش و با آنان همراه باش و شر هر ستمگر سرکش و هر آفریده
ناتوان یا نیرومند و نیز شر شیاطین جن و انس را از آنان به
دور دار و به آنان که ما را بر فرزندان و اهل و خویشان خود
ترجیح دادند بهتر از آنچه انتظار دارند، عطا کن. خدایا
دشمنان ما بر [سفر و] بیرون آمدن آنان خرده گرفتند، ولی
این کار باعث نشد که نزد ما نیایند و با مخالفان ما از در
مخالفت وارد نشوند. پس بر آن چهره‌هایی که آفتاب رنگشان
را دگرگون کرده رحمت کن و آن گونه‌هایی را که بر قبر
اباعبدالله نهاده می‌شود مورد رحمت قرار ده و آن دیدگانی را
که به مهر ما گریان می‌شوند مشمول مهر خود قرار ده و آن
دل‌هایی را که برای ما بی‌تاب شد و سوخت و فریادهایی را که
برای ماست مشمول رحمت خود ساز. پروردگارا، من این
جان‌ها و این تن‌ها را تا زمانی که در روز تشنگی در کنار حوض
[کوثر] ملاقاتشان کنیم، به تو می‌سپارم». حضرت همان طور
که در حال سجده بودند پیوسته این دعا را می‌خواندند.

متن دعای امام صادق علیه السلام..... ۳۹

قَلَمًا انْصَرَفَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَوْ أَنَّ هَذَا الَّذِي سَمِعْتُ
مِنْكَ كَانَ لِمَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ لَطَنْتُ أَنَّ النَّارَ لَا تَطْعَمُ مِنْهُ
شَيْئًا وَاللَّهِ لَقَدْ تَمَنَيْتُ أَنْ كُنْتُ زُرْتُهُ وَلَمْ أَحِجَّ فَقَالَ لِي مَا
أَقْرَبَكَ مِنْهُ فَمَا الَّذِي يَمْنَعُكَ مِنْ إِثْبَانِهِ ثُمَّ قَالَ يَا مُعَاوِيَةَ لِمَ
تَدْعُ ذَلِكَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَمْ أَدْرِ أَنَّ الْأَمْرَ يَبْلُغُ هَذَا كُلَّهُ
قَالَ يَا مُعَاوِيَةَ مَنْ يَدْعُو لِرُؤُوسِهِ فِي السَّمَاءِ أَكْثَرُ مِمَّنْ
يَدْعُو لَهُمْ فِي الْأَرْضِ.^(۱)

۴۰.....امام حسین علیه السلام و تحمل مصائب

وقتی مناجات ایشان به پایان رسید عرضه داشتم: فدایت
شوم، اگر این دعایی که از شما شنیدم در حق کسی می بود که
اصلاً خدا را هم نمی شناخت به گمانم که آتش دوزخ را
بهره ای در او نبود. به خدا قسم آرزو کردم که کاش حج
نمی گزاردم ولی به زیارت امام حسین علیه السلام رفته بودم.
حضرت فرمودند: تو چقدر به او نزدیکی، پس چه چیزی تو
را از رفتن به آن جا باز می دارد؟ و فرمود: چرا این کار را فرو
نهاده ای؟ عرضه داشتم: جانم به قربانت: نمی دانستم کار
[زائران و دوستان ابا عبدالله الحسین علیه السلام] تا این مقدار
ارجمند است. حضرت فرمودند: ای معاویه، کسانی که در
آسمان برای زائران ایشان دعا می کنند بیشتر از کسانی
هستند که در زمین برایشان دعا می نمایند.

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۸۲ (باب فضل زیارة أبي عبدالله الحسين عليه السلام).